

این شرحی نهایت

زاهدترین مردم کسی است که حرام را وانهد،
کوشاترین مردم تارک گناهان است.
حضرت فاطمه(ع)
جفای یار
بروی ترک که ترک توستمگرم کردم
حیف از آن عمر که در پای تو سر کردم
عهد و پیمان تو با ما و وفا یسا دگران
ساده دل من که قسم های تو باور کردم
به خدا کافر اگر بود به رحم آمده بود
زان همه ناله که من پیش تو کافر کردم
تو شدی همسر اغیار و من از یار و دیار
گشتم آواره و ترک سرو و همسر کردم
زیر سر بالش دبیاست تو را کسی دانی
که من از خار و خس بادهی بستر کردم
در دیوار به حال دل من زار گریست
هر کجا ناله ناکامی خود سر کردم
در غمت داغ پندر دیدم و چون در یتیم
اشکر یزان هوس دامن صادر کردم
اشک از آویزه گوش تو حکایت می کرد
پند از این گوش پذیر قسم از آن در کردم
بعد از این گوش فلک نشود افغان کسی
که من این گوش ز فریاد و فغان کر کردم
ای بسا شب به امید که زنی حلقه به در
چشم را حلقه صفت دوخته بسر در کردم
جای می خون جگر ریخت به کام ساقی
گر هوای طرب و ساقی و مسافر کردم
شهر یار را به جفا کرد چو خاکم پامال
آن که من خاک رهش را به سر افسر کردم
شهر یار

تقویم تاریخ

رخداد

تاجگذاری ویکتور امانوئل دوم به عنوان نخستین پادشاه ایتالیا در بی
تکمیل اتحاد ایالت های این کشور (۱۸۶۱ میلادی)
آغاز محاصره در یابی انگلستان توسط زیر دریایی های آلمانی در
جریان جنگ جهانی اول (۱۹۱۵ میلادی)
تاسیس سازمان به پیمان سنسنتو، در دوران جنگ سرد و با
هدف مبارزه با شوروی (۱۹۵۵ میلادی)
اعلام سیاست جدید ایالات متحده مبنی بر کمک آمریکا به
متحان در معرض تهاجمی که خود نیز قادر به اقدام باشند، با عنوان
دکترین ریچارد دینکسون (۱۹۷۰ میلادی)

قاب کوچک

ایمیل صفحه آخر، safhehkhahr@shahrvand-newspaper.ir

غروب
مارتین لوتر - کشیش متجدد آلمانی، مترجم انجیل به زبان آلمانی و
یک تجدید نظر طلب مذهبی، پایه گذار مذهب پروتستان (۱۵۴۶ میلادی)
میکلائجولو بوئاروتی - معروف به میکلا آنژ، نقاش، پیکر تراش،
معمار و شاعر ایتالیایی، از هنرمندان نابغه تاریخ و معروف ترین
چهره رنسانس ایتالیا. خالق آثار چون: تندیس داوود، آفرینش
آدم، رساختن (۱۵۶۴ میلادی)
روبرت اوپنهاইمر - فیزیکدان نظری اهل آمریکا، استاد
دانشگاه برکلی، از افراد مؤثر در پروژه موسوم به منهنجن منجر به
ساخته شدن نخستین بمب اتمی تاریخ جهان (۱۹۴۷ میلادی)

طلوع
ابراهیم حاقلاتی - فیلسوف، زبان شناس و دانشمند لبنانی مارونی،
مترجم انجیل به زبان عربی (۱۶۰۵ میلادی)
جان ژوزف تراولتا - خواننده و بازیگر شهیر آمریکایی،
نقش آفرین در فیلم های چون: داستان عامه پسند،
تغییر چهره، رنگ های اصلی (۱۹۵۴ میلادی)
شهرام ناظری - خواننده، موسیقیدان، آهنگساز
و استاد موسیقی اصیل ایرانی، معروف به شوالیه آواز
ایران، صاحب تصنیف های معروفی چون: اندک اندک، آتشی
در نیستان، کاروان شهید، شیداشدم (۱۳۲۸ خورشیدی)

نگاه



یک جوان فلسطینی تیر و های امنیتی که از تپه های مشرف به دیوار حایل ساکنان غزه را زیر نظر دارند با فلخن هدف قرار می دهد. از زمان شناسایی بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل از سوی دونالد ترامپ، درگیری ها در سرزمین های اشغالی کمکان ادامه دارد. علی جعد الله/ Anadolu Agency

زهر دری سخنی

درس ادیسون
ادیسون در سنین پیری پس از کشف لامپ، یکی از ثروتمندان آمریکا به شمار می رفت و درآمد سرشار خود را تمام و کمال در آزمایشگاه مچهرش که ساختمان بزرگی بود هزینه می کرد. این آزمایشگاه، بزرگترین عشق پیر مرد بود. هر روز اختراعی جدید در آن شکل می گرفت تا آماده بهینه سازی و ورود به بازار شود. یک روز نیمه های شب از آدازه آتش نشانی به پسر ادیسون اطلاع دادند. آزمایشگاه، پدرش در آتش می سوزد، کاری از دست کسی بر نمی آید و تمام تلاش ماموران فقط برای جلوگیری از گسترش آتش به سایر ساختمان ها است. آنها تقاضا داشتند که موضوع به نحو قابل قبولی به اطلاع پیر مرد رسانده شود. پسر با خود اندیشید که احتمالاً پدرش با شنیدن این خبر سگته می کند و لذا از بیدار کردن او منصرف شد و خودش را به محل حادثه رساند و با کمال تعجب دید که ادیسون در مقابل ساختمان آزمایشگاه روی یک صندلی نشسته است و سوختن حاصل تمام عمرش را نظاره می کند. در این لحظه پیر مرد سرش را بر گرداند و پسر را دید و با صدای بلند گفت: «پسر تو اینجا می؟ مینی چقدر زیباست؟ رنگ آمیزی شعله ها را می بینی؟! حیرت آور است! من فکر می کنم که آن شعله های بنفش به علت سوختن گوگرد در کنار سفره به وجود آمده است! وای خدای من خیلی زیباست! کاش مادر تو هم اینجا بود و این منظره زیبا را می دید.» پسر حیران و گیج جواب داد: «پدر تمام زندگی ات در آتش می سوزد و تو ساز زیبایی رنگ شعله ها صحبت می کنی؟! چطور می توانی؟! من تمام بدمن می لرزد و تو خوردن نشسته ای!» ادیسون در پاسخ گفت: «پسر از دست من و تو کاری بر نمی آید. مامورین هم که تمام تلاش خود را می کنند. در این لحظه بهترین کار لذت بردن از منظره های است که دیگر تکرار نخواهد شد. امروز آزمایشگاه و بازسازی یا نوسازی آن فریاد فکر می کنیم! حالا موقع این کار نیست! به شعله های زیبا نگاه کن که دیگر چنین امکانی را نخواهی داشت!» توماس آوا ادیسون سال بعد مجدداً در آزمایشگاه جدیدش مشغول کار بود و همان سال یکی از بزرگترین اختراع بشریت یعنی دستگاه ضبط صدا را تقدیم جهان کرد و گرامافون را در دست یک سال پس از آن.

حرف روز

نور علی نور شد!
جاها کامیاب بوده اند! امروز اما با کمال تأسف باید گفت نور علی نور شده و «تهدید سیاسی» نیز به تهدید فرهنگی افزوده شد! این که چگونه است کشورهای مثل ترکیه، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا و... که سالیانه از میلیون ها توریست پذیرایی می کنند، با مشکل جاسوسی رودرو نمی شوند و کشور ما که از نظر ورود و خروج توریست افسوس مندانانه انگشت کوچک آنها هم به حساب نمی آید؛ می باید نگران لورفتن اسناد طبقه بندی شده و محرمانه خود باشد؛ نه فقط چشم هر بیننده یا شنونده ای را از اعجاب گرد می کند که اگر به راستی این گونه باشد، در خلوت باید برای سیستم امنیتی کشور مان زار زار بگرییم!... حالا با سخنان مقام نظامی این ترس بر ابرانگردان چیره می شود که یک عکس از فلان کوه یا یک سلفی ناقابل یا بهمان ابنيه می تواند در حکم جاسوسی تلقی شده و حساب ابرانگردانگون بخت را به کرام الکاتبین حواله دهد! آن هم در حال و هوایی که باز به گفته مقام نظامی محترم برخی حتی خود نمی دانند که جاسوس هستند!... در تنگنای اقتصادی این روزهای کشور، صنعت توریسم می تواند است در صورت رهاشدن از تور بانه گیری ها و

مهدی مالیر
روزنامه نگار

پُر دور نیست اگر در روی پاشنه بی ملاحظگی برخی تریبون دارها بچرخد، همین صنعت نیم بند توریسم را هم که به لطف ابنيه های تاریخی و مناظر فرح انگیز طبیعی لکلکی می کشد، از تگف بهیم و به تعبیر شاعر: نه از تاک نشانی ماند و نه از تاک نشانی! آن هم در این بلبلیسوی اقتصادی که ورود هر توریست می تواند برای اقتصاد ما مُمد حیات باشد. سخنان اخیر مقام نظامی مبنی بر جاسوسی از مراکز نظامی در لیبس «برانگرد» حاصلی جز فراری دادن جهانگردان خارجی و ترساندن ابرانگردان داخلی ندارد که در تحلیل نهایی ضربه ای است آشکار بر آب باریکه ای که از مسیر صنعت توریسم می گذرد. هستند کسانی که توریست های خارجی را نوعی تهدید فرهنگی برای کشور می شمارند و لحظه ای از این کوتاهی نکردند که صنعت گردشگری را با هزار بهانه بر زمین نشانند و الحق که در بسیاری

داستان واقعی

ویلون زن در ایستگاه مترو
در یک سحرگاه سرد ماه ژانویه، مردی وارد ایستگاه متروی واشینگتن دی سی شد و شروع به نواختن ویلون کرد. این مرد در عرض ۴۵ دقیقه، شش قطعه از بهترین قطعات باخ را نواخت. از آنجا که شلوغ ترین ساعات صبح بود، هزاران نفر برای رفتن به سر کار ایشان به سمت مترو هجوم آورده بودند.
سه دقیقه گذشته بود که مرد میانسانی متوجه نوازنده شد. از سرعت قدم هایش کاست و چند ثانیه ای توقف کرد، بعد با عجله به سمت مقصد خود به راه افتاد. یک دقیقه بعد، ویلون زن اولین انعام خود را دریافت کرد. خانمی بی آنکه توقف کند یک اسکناس یک دلاری به درون کاسه اش انداخت و با عجله به راه خود ادامه داد. چند دقیقه بعد، مردی در حالی که گوش به موسیقی سپرده بود، به دیوار پشت سر تکیه داد، ولی ناگهان نگاهی به ساعت خود انداخت و با عجله از صحنه دور شد. کسی که بیش از همه به ویلون زن توجه نشان داد، کودک سه ساله ای بود که مادرش با عجله

دانشگاه صحیفه صدا را تقدیم جهان کرد و گرامافون را در دست یک سال پس از آن.

فوکوس

میلوش فورمن (راست) و جک نیکلسون، پشت صحنه فیلم «دیوانه از قفس پرید» - ۱۹۷۵ | ۸۶ سال پیش، برابر با هجدهم فوریه ۱۹۳۲ میلادی، یان توماش فورمن، معروف به میلوش فورمن، سینماگر شهیر اهل جمهوری چک در شهر کاساوا (چکسلواکی سابق) به دنیا آمد. فورمن برای نخستین بار با فیلم «برواز فر از آشپانه فاخته» (در ایران با نام «دیوانه از قفس پرید» نمایش داده شد) آفتابش از زبان یک کبوس بود به شهرت بین المللی رسید و اولین اسکار کارگردانی اش را دریافت کرد. این فیلم در کل ۵ جایزه اسکار کسب کرد. اوسپس فیلم موزیکال «هو» (Hail) را جلو دوربین برد و در سال ۱۹۸۴ اثر جاودانه خود یعنی «اندوس» را ا کارگردانی کرد. این فیلم ۸ جایزه اسکار و اعتبار بیشتری برای فورمن به راه افغان آورد.

